

## تفسیر سوره بقره جلسه ۲۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ الطَّاهِرِينَ»

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳) أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ

أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴) وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۴۵)

در سوره بقره رسیدیم به آیه ۴۳ و عرض کردیم ممکن است این آیه‌ی مهم کوتاهی باشد من باب این که اگر بگویند مسائل مهم یک حکومت را در کوتاه‌ترین آیه جمع بکنید، این آیه کوتاه‌ترین و جامع‌ترین آیه قرآن است. در اقامه صلوه داریم بحث می‌کنیم و ایتاء زکات و «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» آن را هم باید بحث بکنیم که در حقیقت عنصر ولایت است.

در سوره نور آیه ۵۵، نظیر همین آیه است.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي

ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ خدا

وعدده داده به مؤمنین شما که آن‌ها را در زمین استخلاف می‌دهد کما این که به قبلی‌ها داده و به هرجهت این یک سنت حق است که مصداق اتم آن در زمان حضرت حجت اتفاق می‌افتد، ولی خود آیه نشان می‌دهد که یک سنت رایج الهی است. این جوری نیست که فقط مخصوص حضرت حجت است؛ چون آیه اشاره می‌کند که «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ قبلی‌ها را هم استخلاف می‌داده «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»؛ و به آن‌ها دین مورد رضایتش را امکان می‌دهد «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ و بعد تبدیل می‌کند خوفشان را به امنیتی «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ که در این صورت من را عبادت می‌کنند.

وقتی عنصر ولایت می‌آید و استخلاف این‌ها اتفاق می‌افتد، دین مرضی آن‌ها اتفاق می‌افتد و آن موقع دیگر

فقط من را دارند عبادت می‌کنند که یک زمانی باید این معانی را پی بگیریم. موقعی نفی طواغیت و عبودیت الله

اتفاق می‌افتد که تمام عناصر کنار می‌رود و عنصر ولایت می‌آید و اگر کسی می‌خواهد خداپرستی بکند با عنصر ولایت به تمامه خداپرستی می‌کند و در همه عرصه‌ها خدا را می‌پرستد. چون این جوری که ما نماز می‌خوانیم، در آمریکا هم می‌شود این جوری نماز خواند و دیگر این خداپرستی محسوب نمی‌شود. شما کاملاً در چنبر طاغوت‌های عالم دارید نماز می‌خوانید و عبادت‌های فردی‌تان را می‌کنید. این آن خداپرستی اصلی محسوب نمی‌شود. «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ بعد از این اگر کسی کافر بشود، فاسق است. و بعد دارد: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ اقامه نماز، ایتاء زکات و بعد دارد اطیعوا الرسول و نه اطیعوا الله! و این مال جایگاه اجتماعی رسول است، به عنوان جایگاه ولایت. این آیه شبیه آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ» است.

اگر بخواهید حتی طبق بیانات روایی سه پایه اصلی دین را بیان کنید، نماز و زکات و ولایت است. کتاب کافی در بحث دعائم الاسلام می‌فرماید: «ثانفی الاسلام ثلاثه» اثنافی به معنی سنگ‌ها و سه پایه‌ای است که زیر دیگ می‌گذارند تا دیگ استوار بایستد و برنگردد. اگر خیلی اسلام را بچلانیم به این سه تا می‌رسد، «الصلوة والزكاة والولاية» این‌ها پایه‌های دین است که اگر نباشد دیگر اسلام دمر می‌شود. بعد می‌فرماید «لَا تَصِحُّ أَحَدٌ مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا»؛ هیچ‌کدام از این‌ها صحیح نمی‌شود مگر به دو تای دیگر؛ یعنی این سه تا به هم گره خورده. واقعا سه پایه است و این جوری نیست که بتوانید یک پایه آن را بردارید. اگر یک پایه آن را بردارید بقیه پایه‌های آن هم نیست که مثلاً اقامه نماز و ایتاء زکات را بگذارید و ولایت را بردارید، دیگر آن دو هم نیستند. این بحث تفسیری از جنس بحث تفسیری تمدن‌سازی است. اصلاً جعل صلات و اقامه نماز و ایتاء زکات برای همین بوده. این یک سه پایه‌ای است که سه پایه‌اش هم به هم وصل است [عنصر ارتباط با خدا، عنصر مالی، عنصر مدیریت اجتماعی] این که این معنا هم در سوره نور و هم بقره تکرار می‌شود و در روایات هم زیاد این معنا تکرار شده، این‌ها مد نظر ماست برای این که بیاییم وارد بشویم ببینیم در قرآن اقامه نماز چیست؟ ایتاء زکات یعنی چه؟ و ارکعو مع الراكعين یعنی چه؟ و ارتباط این‌ها با هم چگونه است؟

اگر ما بتوانیم این حرف را در قرآن و در دامنه‌ی آن، در روایات بزنیم، بزرگترین حرف‌های تمدنی اسلام را زده‌ایم (من ادعا نمی‌کنم که می‌توانم از پس این بحث به درستی و با تمام ابعاد برآیم که اگر می‌توانستم که تولید علم بود و مهم در تولید علم این است که بروید بفهمید الان چه علمی را باید تولید کنید؟) به نظر می‌آید آنچه که در قرآن به عنوان حرف‌های تمدنی اسلام داریم، اگر کسی بخواهد تولید علم بکند، من فعلا به یک سؤال بزرگ آن پاسخ می‌دهم. اول باید این سه پایه را در بیاورد و ببیند دقیقا این‌ها چیست و این یکی از بزرگ‌ترین تولید علم‌ها می‌شود. من به این قائل نیستم که تولید علم کردن در اسلام یعنی حرف‌های بسیار پیچیده زدن! این یک اشتباه تاکتیکی است که فکر می‌کنند حرف هرچقدر پیچیده‌تر باشد علمی‌تر است!

ممکن است در پس خودش خیلی پیچیده باشد، ولی در صورت ظاهر ممکن است بسیار ساده باشد؛ مثلا واقعا رانندگی با یک ماشین دنده اتوماتیک ساده است، ولی کاپوت آن را که بالا می‌زنید می‌بینید یک عالمه سیم و لوله دارد. داخل آن پیچیده است، منتهای مراتب به مرحله استفاده که می‌رسد، استفاده کننده فقط باید این چهارتا کار را انجام بدهد. این ماشین لباسشویی با تمام بردهای خفنی که دارد، یک زن بی‌سواد هم می‌تواند از آن استفاده کند! این که این ماشین چه جوری می‌شوید و ماشین کی پودر را درون لباس‌ها می‌ریزد، این مال پشت صحنه آن است که طراح آن را طراحی کرده.

یکی از اتفاقات اشتباه در بحث تولید علم همین است که داریم بسیار می‌رویم به سمت پیچیده بودن، در صورتی که حسن یک محصول این است که ظاهر آن بسیار ساده و در پشت آن، پیچیدگی‌های عالم و آدم لحاظ شده باشد؛ مثلا ممکن است ته تولید علم این در بیاید که «مسجد، محور است» و باید این ارگان‌ها درون سیستم مسجد بیایند و در این جا شکل بگیرند، ویژگی‌های امام جماعت باید این باشد. این را به معنای این نگیرید که این که منبر است! و تولید علم نیست!

این که چرا نماز این کار را می‌کند و چرا این جایگاه را دارد، دیگر به من مربوط نیست. اگر کسی می‌خواهد به تمام افق‌های نماز برسد، لایه‌های پشتی این حرکات، عالم و آدم است و لذا من نمی‌دانم چرا این حرکات این جوری است؟ این مثل این است که بروید پیش یک استاد اخلاق و بگوید من می‌خواهم به معارف خیلی بالایی

برسم و بگوید: شما نماز بخوان! ولی شما فکر می کنید مثلا پانصد تا دستورالعمل بدهد تا این آن حرف واقعی بشود! در صورتی که این که این نماز پشت صحنه دارد چه کار می کند، به خدا مرتبط است.

من یادم است داشتیم پشت سر آقای بهجت نماز می خواندیم، بعد از نماز یک پاکستانی آمد و یک دستورالعملی می خواست و آقای بهجت گفتند: یک دستتان قرآن و یک دستتان اهل بیت! این پاکستانی گفت: حالا یک چیزهای دیگری هم بگویید! یعنی فکر می کند وقتی آقا می گویند قرآن بخوان و روزه برو و به اهل بیت تمسک بکن، این که نشد حرف! یک حرفهایی بزن که خیلی فوق العاده باشد.

لذا هرچقدر پکیج و بسته‌ی ارتباط نماز - زکات، ولایت - زکات، نماز - ولایت بحث بشود و خصوصیاتش در بیاید، شما حرف‌های تمدنی زدید و این که در لایه‌های پایین ترش چه تدبیری می خواهد بشود؛ مثلا ساختار شهر را چگونه باید دید، این لایه‌های پایین عملیاتی آن است.

پس ما داریم راجع به اُتافی الاسلام حرف می زنیم و دیگ اسلام روی همین سه تا پایه است. آیه ۴۱ سوره حج هم در این زمینه برای ما آیه فوق العاده‌ای بود که گفتیم رکن اصلی حکومت مؤمنان همین دو پایه است «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ» این بخش ولایت آن است «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» این کد را هم گرفتیم که نماز خواندن با اقامه نماز فرق دارد «وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ این قسمت اشاره به معروف و منکری دارد که امر به معروف و نهی از منکر پایش‌های معروف و منکر هستند؛ یعنی معروف و منکر ابتدائا تصویر می شود و بعد توسط امر به معروف و نهی از منکر پایش می شود.

الان کاری که داریم انجام می دهیم این است که داریم از آیات و در دامنه‌اش از روایات در ابتدا جایگاه را درمی آوریم، بعد ببینیم معنی آن چیست و سپس ببینیم ارتباط این سه پایه به هم چگونه است؟

به اعتقاد من مهم ترین حرف تمدنی قرآن این است که دین بر این سه پایه نهاده شده. حالا در پی این هستیم که بفهمیم جایگاه رفیع این سه پایه کجاست؟ معنی آن‌ها چیست؟ و ارتباطش با هم چگونه است؟ و ارتباط معنایی‌هایی که این سه با هم دارد چیست؟ مثلا می بینید در قرآن بحث نماز خیلی به مسجد مرتبط

است و بحث مسجد به امام و امام جماعت مرتبط است. این‌ها شبکه‌هایی است که به شدت در قرآن به همدیگر وصل شده و ما دنبال پیدا کردن این شبکه‌ها هستیم.

در مورد این که جایگاه نماز کجاست، چند آیه را ببینیم که در مسئله ذکر و یاد خدا به چه مطلبی بند می‌کند؟ می‌بینید مهم‌ترین مطلب نماز است؛ یعنی اگر کسی هرچقدر می‌خواهد یاد خدا باشد و خدا به یاد او باشد، من باب «فَادْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ» (بقره: ۱۵۲)؛ شما به یاد من باشید تا من به یاد شما باشم، مهم‌ترین عامل آن، نماز است؛ یعنی اگر دستور اخلاقی و ممشات دین را هم خواستید در بیاورید، این می‌شود که اگر شما خیلی هم بخواهید اخلاقی بشوید و با خدا فالوده بخورید و خدا با شما، راهش تعمیق نماز است.

من دو بار از آقا این را سؤال کردم، آقا گفتند به جوان‌ها بگویید نمازشان را درست بخوانند. آنچه که در بین علماء معروف است، این است که کسی خیلی فوق‌العاده است که نمازش خیلی فوق‌العاده است. برای همین در میان علماء می‌گردند ببینند چه کسی نمازش فوق‌العاده است؛ مثلاً آن موقع آقای بهجت و الان بزرگان می‌گویند: نماز آقای خرازی، یا می‌گویند نماز آقای جاودان فلان جور است. شاخص این که این فرد چقدر با خدا توانسته ارتباط پیدا کند این است که در نمازش چقدر توانسته ارتباط پیدا بکند؛ لذا اگر کسی می‌خواهد واقعا به یک رشدی برسد، واقعا نمازهایش را جدی بگیرد. بنشیند در سجاده و مقداری تمرکز بکند و مقداری حال خودش را سر خط بیاورد و بعد بلند شود، نماز بخواند. نوافل و قضای نوافل را بخواند؛ یعنی واقعا برای نماز خواندن زمان بگذارد. من دانشگاه رفته بودم دیدم الان نماز را دارند کله معلق می‌خوانند. گفتم چرا این جور می‌گفتند: دانشجویها این جور بیشتر استقبال می‌کنند! گفتم: این که ضایع کردن نماز است! یعنی مثل یک کار زائدی می‌ماند که چون باید بخوانیم، پس بپریم به غایت سرعت بخوانیم! در این حالت که آدم اذکارش را هم نمی‌تواند بخواند!

ص ۳۱۲، سوره مبارکه طه، آیه ۱۲ دارد: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»؛ این در جایی است که حضرت موسی آمده، رسیده به آتش و وحی الهی و لحظه‌ای که پیغمبر شده. برخی لحظات، لحظات خیلی فوق‌العاده‌ای است؛ مثل لحظه مرگ. روایتی است که امام باقر(ع) می‌گویند: وقتی پدرم امام زین

العابدین داشت رحلت می‌کرد، در حالت احتضار «ضمنی علی صدره»؛ مرا به سینه‌اش چسباند و به من گفت: «پدرم (امام حسین) وقتی برای آخرین بار داشت به میدان می‌رفت، مرا به سینه‌اش چسباند و گفت: امیر المؤمنین در آخرین لحظات مرا به سینه‌اش چسباند و گفت: ...» یعنی آدم فکر می‌کند چه چیز مهمی است که همه گذاشته‌اند لحظه آخر بگویند؟! فشرده تمام دین و زندگی را گفته‌اند که «إصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا»، روی حق بایست ولو تلخ باشد. یعنی در این لحظه یک حرف جدی وجود دارد که همه ائمه در لحظات آخر این را گفته‌اند.

در این آیه هم، لحظه مهم پیغمبر شدن موسی است که «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۲) \* وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (۱۴)» (سوره طه)؛ تو مرا عبودیت بکن و اگر می‌خواهی به یاد من باشی نماز بخوان. این «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» را شما شنیده‌اید، ولی می‌خواهم رفعت این جایگاه را ببینید. به حضرت موسی می‌گوید: من دارم با تو صحبت می‌کنم و تو اگر خواستی با من صحبت بکنی، اقامه نماز بکن! (هنوز داریم به جایگاه نماز می‌پردازیم)

باز در مورد منافقین آیه ۱۴۲ سوره مبارکه نساء دارد:

یک نکته که همیشه در قرآن برای ما جدی است این مثنی‌ها و این آیات منعطف به همدیگراست. این‌ها به ما کد می‌دهند که هر کدام چه بارهای معنایی می‌تواند داشته باشد؛ مثلاً در سوره حج آن‌جا که دارد «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (۴۰)؛ اگر دفاع نبود زمین فاسد می‌شد. این از آن حرف‌های جدی قرآن است که چنانچه مسجد از کارکردهای اصلی خودشان بیفتند، زمین را فساد برمی‌دارد؛ یعنی اگر بخواهید جلوی فساد زمین را بگیرید، باید مراکز دینی و مساجد را احیاء کنید با کارکردهای درستی که خودش دارد، نه این‌که فقط سه وعده نماز در آن بخوانند!

آیه ۱۴۲ نساء در مورد منافقین این نکته را دارد که «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ»؛ این‌ها خدا را فریب می‌دهند و خدا این‌ها را فریب می‌دهد «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ وقتی به نماز می‌ایستند، با کسالت می‌ایستند، البته دست به ترکیب ظاهر نماز نمی‌زنند. گاهی اوقات

می‌خواهیم بگوییم ما که خوب هستیم! ما که منافق نیستیم! نفاق هم که در ما نیست، پس این آیه چیست؟ نه اتفاقاً برعکس حساب بکنید که آیه دارد یکسری خصوصیات را می‌گوید و شما با خودت تطبیق بده بین داری یا نداری؟! نه این که بگویی: ما که منافق نیستیم پس این آیه چیست؟!

نفاق در قلب انسان است در صورتی که «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى»؛ وقتی به نماز بلند می‌شود، می‌بینید با حالت کسالت است. اصلاً این حوصله ندارد نماز بخواند. «يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: ۱۴۲) آیه نمی‌گوید این‌ها ذکر خدا ندارند، می‌گویند قلیل ذکر خدا دارند. این آیه را کد زدیم با آیه «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج: ۴۰)؛ مساجدی که ذکر الله کثیر در آن انجام بشود، نه ذکر الله قلیل! ذکر الله قلیل با مسجد منافقین هم سازگار است. اما مسجدی که در آن ذکر الله هست؛ یعنی همه ابعاد را پوشش می‌دهد، نه این که ذکر الله مسائل فردی من را پوشش بدهد، ولی مسائل اجتماعی، مسائل بین الملل، مسئله اقتصاد، مسئله علوم اجتماعی من را پوشش ندهد. این می‌شود ذکر الله قلیل که سر از نفاق در می‌آورد.

(این بحث‌ها را در سوره توبه مفصل داشتیم) اگر کسی در یک حوزه‌هایی به خدا راه می‌دهد و در یک حوزه‌هایی به خدا راه نمی‌دهد. و می‌گوید: این‌جا جای علم است و برای این‌جا علمی تولید شده است، دیگر اقتصاد و علوم اجتماعی را که براساس خدا نمی‌گذارند! این برای خودش تخصص و روان‌شناسی دارد و نتیجه این می‌شود که این جاها خدا راه پیدا نمی‌کند. خدا در حوزه‌های خیلی کوچکی راه پیدا می‌کند. این می‌شود همان «وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ یعنی اگر هم می‌خواهد خدا یاد بشود، قلیل یاد می‌شود.

در آیه «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» کسالت یعنی که عنصر یاد خدا قلیل است و با اقامه نماز سازگار نیست.

این آیه را با آیه ۵۴ توبه نگاه کنید: در جریان منافقین بالمعنی العام در این سوره می‌گوید، در نفاق این‌ها عناوینی نیست که طرف قصد دارد، اتفاقاً فکر می‌کند دارد اصلاح می‌کند و حال آن‌که دارد افساد می‌کند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ \* أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۲-۱۱)؛

واقعا نمی‌داند که دارد فساد می‌کند و فکر می‌کند دارد اصلاح می‌کند و در سوره اعراف، آیه ۱۷۰ خواندیم که اصلاح واقعی این جور است که «وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ»، این بخش معارف اصلاح و «وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»، این هم عملکرد این اصلاح «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ». اگر کسی می‌خواهد اصلاح کند این جور اصلاح می‌کند. و اصلا این دسته‌بندی در دسته‌بندی‌های اصلاح‌طلب و اصولگرای ما نیست. گاهی اوقات این‌ها ما را دچار اشتباه ذهنی می‌کند و ما دوست داریم این آیات را خرج این دسته‌بندی‌های سیاسی بکنیم و مثلا بگوییم اصلاح‌طلب‌ها افسادطلب و مفسد هستند، در صورتی که این آیه‌ای اعم است و فرقی نمی‌کند و اگر آن طرف هم تمسک به کتاب و اقامه صلات نداشته باشد او هم اهل اصلاح نیست. پس نمی‌توانیم این تقسیم‌بندی قرآنی را خرج آن تقسیم‌بندی سیاسی بکنیم؛ چون مقدار زیادی ما را به اشتباه می‌اندازد.

هدف اصلی ما این است که با معارفی که قرآن دارد ببینیم چه حالاتی به چه حالاتی و چه جریاناتی به چه

جریاناتی تطبیق می‌شود؟

این کفر و نفاق که در این آیات دارد بیان می‌شود، یک جریان به هم پیوسته است. در سوره توبه آیه ۵۳ و

۵۴ دارد: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ \* وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ

نَفَقَاتُهُمْ»؛ نفقات، هزینه‌ها و خرج‌هایی که دارید برای انقلاب و اسلام می‌دهید قبول نمی‌شود؛ چون «إِلَّا أَنَّهُمْ

كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ»، پس معلوم می‌شود که کافر به خدا و رسول باید نفقاتشان قبول بشود؛ یعنی قبول درگاه

خدا بشود. یعنی خدا انفاق‌ها و هزینه‌کردهای این‌ها را خدا قبول بکند، ولی خدا می‌گوید: من اصلا قبول

نمی‌کند. شما وقتی عنصر هزینه‌کرد در مسیر ولایت را کنار گذاشتی، او چنین چیزی را قبول نمی‌کند. اگر

چیزی مانع پذیرش این نفقات است «إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى» معلوم است

این کفر، کفر مصطلح موجود در دسته‌بندی‌های فقهی نیست و معلوم است این کافر در این آیه اهل نماز است! و

معلوم است که این منافق کافر است؛ یعنی نتیجه طبیعی عملکرد چنین آدمی کفر به رسول است؛ یعنی رسول

می‌گوید فلان کار را بکن و او می‌رود یک کار دیگر می‌کند. به هر جهت این آقا هم برای خودش عددی است! و

لذا این کافر به رسول است «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ»؛ کسالت در نماز و باز



دوباره بحث انفاق و کراهت در انفاق و بعد هم می گوید «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»؛ اتفاقا اینها خیلی وضع مالی شان هم خوب است و اتفاقا همین باعث عذاب آنها در دنیا است.

این هم ستونی براساس ذکر است؛ یعنی اصلا یاد خدا یعنی نماز و به عبارتی اصلی ترین نکته ی ذکر یعنی نماز.

قبول بکنید که این آیات را در قرآن نپاشیده اند و ربط آیه را با آیات بالا و پایین آن باید در آورد. در سوره مبارکه هود از آیه ۱۱۲: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا»؛ استقامت بکن همانطور که امر شده ای و کسانی هم که با تو توبه کردند و در محضر تو هستند و تو در محوریت آنان هستی همه با هم استقامت کنید و طغیان و سرکشی هم نکنید! «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»؛ به کسانی که ظالم هستند برای ارتباط با آنها تمایل نشان ندهید «فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»؛ درون زایی یعنی همین! این «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا»؛ مثل قاعده نفی سبیل است. این که اقتصاد، خودرو و هواپیما درونزا و مقاومتی بشود، نفی تمایل انجام شده، نه این که من از این طرف بگویم مرگ بر فلانی و بعد تمام قراردادها را با او می بندم؛ یعنی آنچه در عمل است رکون و تمایل و به آن سمت رفتن است و آنچه در مقال است، نفی این استکبار است.

در یک جمعی از یک عالمه مهندس بسیجی بحث نفوذ شد، من گفتم: آقای مهندس! شما که نباید راجع به نفوذ از نفوذهای سیاسی بگویید، یک مصداق نفوذ در کلام مهندس مثلا باید این باشد که کارخانه قزوین ۷۰۰ تا ژلاتین دارد تولید می کند با یک سوم ظرفیت و یک کارخانه داریم در مشهد با دو برابر این ظرفیت خوابیده و فقط ۳۰۰۰ تن ژلاتین داریم از خارج وارد می کنیم (من خودم رفتم لیست اینها را در آوردم) که تقریبا قریب به اتفاق آن حرام و نجس است، تازه این مقدار ثبت شده آن است و الا مقدار قاچاق آن خیلی بیش از این هاست. می دانید که در هر چیزی که کش می آید، از ژله و پاستیل و ماست گرفته تا غشاهای داروها و ژلوفن ها ژلاتین مصرف می شود. ژلاتین بسیار پر کاربرد است. بعد در این جمع مهندسان چون همه آمارهایش را برده بودم کسی نتوانست انکار کند. و چون می خواستم آن جا حرف را علمی بزنم رفتم تحقیق

کردم که نکند در فرایند گرفتن ژلاتین این استحاله می‌شود! چون استحاله از مطهرات است، ولی دیدم که این طور نیست و یک فرایند ۳۵ روزه دارد و متخصص آن می‌گفت: اصلا نباید استحاله بشود! بلکه باید ژلاتین با بافت سالم بیرون بیاید. در آن جمع گفتیم: فرض می‌کنیم که ما اصلا قضیه بیوتروریسم هم نداریم! که داریم! و موضوع بیوتروریسم را به طور جدی داریم. مداخلات ژنتیکی که می‌کنند که الان برای آقا هم خیلی مسئله جدی شده! الان هم دارد گندش در می‌آید که سهام‌داران کل روغن‌های ما عربستانی هستند! و این مداخلاتی که بخصوص اسرائیلی‌ها در کار ژنتیک دارند، دارند روی نسل کار می‌کنند؛ مثلا هندوانه می‌کارند در می‌آید ولی دیگر تخم آن هندوانه را نمی‌شود کاشت! این هندوانه عقیم است و از این هندوانه یک عالمه در شمال کاشته‌اند! و با خوردن آن هندوانه‌ها یا خود طرف عقیم می‌شود، یا بچه‌اش! ما آمار گرفته‌ایم جمعیت در سیستان و بلوچستان در ده سال گذشته سیصد در صد شده و معلوم است که غیر طبیعی است! پس یک کار برنامه‌ریزی شده است و حتی در موضوعات دیگر امنیت ملی من خودم احساس خطر می‌کنم و احتمالا بالایی‌ها هم باید احساس خطر بکنند. این‌ها جزء تهدیدهای امنیت ملی است و معلوم است که دارند مهره‌چینی می‌کنند. دارند در گوشه گوشه ایران و مثلا در مرزهای آبی با نیروهای خاصی یک کمربند درست می‌کنند و انسان وقتی آن‌جا می‌رود این را احساس می‌کند. حتی اگر فرض کنیم که ما این موضوعات بیوتروریسم را نداریم! این همه ژلاتین حرام و قطعا و بی‌تردید نجس دارد وارد خوراک مردم می‌شود، این تازه ژله گاوی نجس است که ژله خوکی هم در آن هست؛ چون قیمت ژله خوکی پایین است و راحت فراوری می‌شود! بعد می‌خواهید راجع به نفوذ من چه صحبتی بکنم؟ شما بیا جلوی این را ببند! برو کارخانه ژلاتین را راه اندازی کن! این «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود: ۱۱۳)؛ یعنی همین. این که دارد رکون و تمایل نشان ندهید یعنی همین! یعنی نمی‌شود که از آن طرف شعار بدهیم و از آن طرف عملا خودمان را وابسته به غذای آن‌ها و داروی آن‌ها کرده‌ایم. عدم تمایل یعنی اقتصاد مقاومتی و مقاومت از درون. مگر خود ما این همه گاو نداریم ژلاتین گاوی تولید کنیم؟ ما خودمان این همه ذخائر و امکانات داریم.

«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»؛ رکون و تمایل نشان ندهید که آتش شما را می‌گیرد. «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ برای شما غیر خدا هیچ ولی‌ای نیست. این رکون‌ها به ولایت کشیده می‌شود و شما یواش یواش می‌روید و تحت سلطه قرار می‌گیرید و بر شما مسلط می‌شوند ولو این‌که شما یک جامعه‌ای مرفه باشید، ولی مسلط بر شما هستند. «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (همان)؛ و دیگر هم دنبال نصر ما نباش! در این صورت ما نصر نمی‌کنیم. اگر کسی تحت ولایت ما باشد، ما او را نصر خاص می‌کنیم، در غیر این صورت ما نصری نمی‌کنیم و شما با دشمن می‌بندید. منظورم دولت وقت نیست! کلا این منش را عرض می‌کنم. شما که دارید با دشمن لابی می‌کنید و می‌خواهید با ما هم لابی کنید! ما که می‌فهمیم شما کجا دارید لابی می‌کنید!

آیه بعد دارد: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ». در این فضا چنین حرفی را زدن، دارد جایگاه‌ها را نشان می‌دهد. که به پیغمبر می‌گوید: دو طرف روز (هم نماز صبح را می‌گیرد و هم نماز عشاء) و ساعات نخستین از شب «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ»؛ عنصر مهم ذکر و یاد خداست. در حقیقت اقامه نماز ذکری است برای ذاکرین.

باز در ارتباط با سوره مبارکه نور آیه ۳۷ به عنوان شاخص بحث ذکر و یاد خدا.

سؤال می‌کنند حاج آقا ما چه جوری عارف بشویم؟ جوابش این است که راهش نماز است. من باب «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره: ۱۵۲) مهم‌ترین چیزی که ما در ذکر داریم نماز است. و اگر خدا یاد انسان بیفتد «وَالنَّظَرُ فِي أَمْرِي»؛ خدایا به کارهای من نگاه کن! کارهای من را به عهده بگیر! چون که خداوند یاد هست، ولی این یک یاد تشریفی است؛ یعنی خدایا هوای ما را داشته باش! «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» ما چگونه به یاد خدا باشیم؟ این ذکر الله چیست؟ مهم‌ترین عنصر آن نماز است. هرچه در دین این جایگاه بالا برود، همه عناصر پیرامونی آن با آن بالا می‌رود؛ مثل یک پارچه‌ای را که از یک نقطه به بالا می‌کشید، این نماز هم هرچقدر بالا برود، با آن امام جماعت بالا می‌رود، مسجد بالا می‌رود، تمام ارتباط‌های او با بقیه بالا می‌رود؛ یعنی همه آن با هم بالا می‌رود.

قرآن وقتی می‌خواهد یکسری مردان را بستاند، می‌گوید: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ» (نور: ۳۷)؛ هیچ تجارتی و هیچ بیعی آنان را به لهو نمی‌کشد و باز نمی‌دارد از اقامه صلات، با این‌که اقامه صلات ذکر الله است، ولی به صورت خاص، ذکر است. «يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (همان)؛ از روزی می‌ترسند که قلوب و ابصار در آن منقلب می‌شود. «لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

باز در سوره مبارکه مائده، آیه ۹۱ دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ این خمر و میسر و ... از عمل شیطان هستند، اجتناب بکنید، باشد که به فلاح و رستگاری برسید و بعد دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»؛ شیطان می‌خواهد بین شما با خمر و میسر دشمنی بیندازد و کاری کند که شما با هم درگیر شوید و می‌خواهد جلوی ذکر الله و نماز را بگیرد.

می‌بینید که جایگاه نماز در آیه خیلی خاص است، با این‌که ظاهر فقط «ذکر» را می‌گفت کافی بود، ولی به طور خاص از نماز می‌گوید. بدانید که حرف اخلاقی که ذیل این آیه می‌زنند، این است که هر چیزی که شما را از نماز باز ندارد اراده شیطان است و آیه مصحح این معناست؛ این بازداشتن ممکن است با یک فیلم سینمایی، یا یک فوتبال، یا یک سریال باشد. شما وقتی دارید این سریال را تماشا می‌کنید و می‌خورد به وقت اذان و شما هنوز بر و بر دارید نگاه می‌کنید و انگار نه انگار که دارند اذان می‌گویند. یا داریم یک بحثی را می‌کنیم و می‌رسد به وقت اذان، ولی بدون این‌که خمی به ابرو بیندازیم، همین جور توی وقت اذان می‌رویم و بعد ما تا ساعتی بعد اذان هم ادامه دارد! گفته‌اند: مؤمن را با مواقیت الصلوه می‌شود شناسایی کرد؛ یعنی وقتی جایی می‌خواهد برود می‌گوید: یا نمازم را بخوانم و بروم و یا یک جوری بروم که آن‌جا به نمازم برسیم، نه این‌که کلا نماز را کنار گذاشته و می‌گوید من می‌خواهم بروم. این‌ها شیطانی است و در آن جلسه‌ای که به وقت اذان بخورد، خیری نیست و دیدن فیلم‌هایی در وقت اذان عقوبت دارد. شیطان می‌خواهد ما را از نماز غافل بکند.

باز در سوره مبارکه حج آیه ۳۵، ص ۳۳۶ دارد: «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ»؛ وقتی یاد خدا می شود دل های این ها می تپد و هراسان می شود و کسانی که در حوادث صبر می کنند «وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ این ها کسانی هستند که اهل اقامه نماز و انفاق هستند. این که این ترکیب نماز - زکات و نماز - انفاق چه ارتباطی به هم دارد...

می خواهیم جایگاه را مشخص کنیم و مسئله اصلی دشمنی دشمنان هم با مسئله نماز است؛ یعنی اگر می خواهند با چیزی بجنگند؛ مثل شیطان که با نماز می جنگد، وقتی می خواهد بجنگد و مسخره کند و از کارکرد بیندازد، با نماز این کار را می کند.

در سوره مبارکه مریم، از انبیاء مختلف شروع می کند:

«وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ ۱ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا \* وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا \*  
وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ ۲ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا \* وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا \* أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ  
وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا \* فَخَلَفَ  
مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»

(مریم: ۵۹-۵۴)

«إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا»؛ وقتی آیات بر این انبیاء خوانده می شد، این ها گریان به سجده می افتادند. در جلسه گذشته عرض کردم که مسئله سجده در دین یکی از حالات خیلی ویژه نماز است و اصلا دست به ترکیب این جور آیات نزید که بگویند این که داریم «سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» منظور چیز دیگری است! این که نشانه های سجده در پیشانی است؛ چون اگر کسی که اهل سجده هست، لااقل پیشانی اش زبر می شود و این به معنی ریا نیست؛ چون اگر به طور طبیعی نماز بخواند و زیاد سجده بکند، پیشانی اش زبر می شود. اگر کسی می خواهد جزء «والذین معه» باشد، باید قطعاً اهل سجده باشد. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» (فتح: ۲۹)؛ نشانه ها در چهره هایشان هست.

این که آیه دارد وقتی آیات بر انبیاء خوانده می‌شد، «إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ حَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا»؛ این حالات از حالات معنوی جدی آدم است. سجده - گریه و گریه در سجده از دستورات اخلاقی است که وارد شده. سجده خودش یک عنوان است. کثره البكاء یک عنوان است. و بعد ترکیبش به صورت گریه در سجده است. انبیاء این گونه بودند «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»؛ ولی یک نسل جایگزینی آمد که مثلاً اول انقلابی‌ها و رزمنده‌ها با مرام شب‌های عملیات و بعد جایگزینی آمده که فکر می‌کند من خیلی باید کار کنم و خدمات اجتماعی بدهم و این‌ها اهل راه‌پیمایی هم هستند ولی دیگر در مرام آن‌ها خودسازی - نماز - نماز شب و گریه نیست! «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛ این‌ها آمدند در درجه اول نماز را ضایع کردند؛ وقتی در آیه ۵۵ داشتیم «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»؛ فرهنگ اقامه نماز یک اپلیکیشنی است که اصلاً روی این‌ها نصب است؛ یعنی اقامه نماز با کارهای حکومتی نصب شده. حالا کسانی که «حَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» بودند و نماز را ترویج می‌کردند، بعد یک عده آمدند که این را نداشتند و این را ضایع کردند و در قدم بعدی «وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ»؛ شهوات تبعیت شد «فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»؛ بعد به انحراف رسیدند و منحرف شدند. به عبارتی شک کنید مسئله‌ای که طبیعتاً دشمن بخواهد روی آن کار بکند، نماز است و مسائل پیرامون نماز و هرچه که به نماز مربوط است؛ مثل مسجد. بالاخره این نقطه را خواهد زد. اگر می‌گویند انقلاب ما از سنگر مساجد شروع شد، طبیعتاً اگر بخواهند انقلاب را بزنند، خوب مسجد را می‌زنند. حالا این مسجد را با چه زبانی می‌زنند؟ ممکن است بگویند مسجد نه! فرهنگسرا! مسجد نه! سرای محله! یعنی می‌بینید یک شاخ جدید درست می‌شود به عنوان شبکه اجتماعی در داخل شهر به نام سرای محلات؛ یعنی مسجد که به عنوان یک شبکه اجتماعی از اول در داخل شهر پهن بود و ایرادهایی داشت، به جای این که همین اصلاح بشود، جایش سرای محله می‌زنیم. بعد بسیاری از کارکردهای مسجد را به سرای محله می‌دهیم و نتیجه‌اش می‌شود تخریب مسجد! حالا هرچقدر شما بگو ما به مسجد اعتقاد داریم، ولی همین یعنی تخریب مسجد! در صورتی که اگر خانه سلامت و خانه خیریه و خانه‌های مختلف در سرای محله اگر حول یک مسجد زده بشود و در ارتباط ارگانیک با مسجد باشد، مسجد احیاء می‌شود؛ یعنی حتی کسی

بخواید خدمات سلامت و مشاوره بگیرید، می‌آید دو رکعت نماز در مسجد می‌خواند و بعد می‌رود واکسن می‌زند، آن هم در درمانگاه مسجد! و این خیلی متفاوت است تا این که شما سراهای محله‌ای درست بکنید!

این را می‌گویم چون از نزدیک می‌دانم که یکی از گیرها این شده که این آدم را چه جوری به مسجد وصل کنیم؟! اصلاً چه جوری می‌تواند رابطه‌های ارگانیک با مسجد پیدا کند؟! ولی نمی‌شود و نشده است و نخواهد شد! این مسجدها مسجد ضرار است چه بفهمیم، چه نفهمیم! زورکی می‌خواهیم افراد را به مسجد بچسبانیم. این از چیزهایی است که باعث می‌شود نماز و توابع آن ضایع شود و در نتیجه تبعیت از شهوات و بعد هم انحراف! و انحراف با ضایع کردن نماز شروع می‌شود.

وقتی ما می‌گوییم دشمن با نماز مشکل دارد. اگر دیدید نمازی بود و دشمن با آن مشکل نداشت، بدانید آن اقامه نماز نیست! و نماز خواندن است. نماز خواندن با اقامه نماز فرق دارد.

آیه ۵۷ و ۵۸ مائده پشت آیات مربوط به ولایت که تعریف حزب الله را می‌کند دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ کسانی که دین شما را مسخره می‌کنند از اهل کتاب و کفار، این‌ها را اولیاء خودتان نگیرید. تحت ولایت این‌ها نروید. رکون و اطمینان و سازش با این‌ها پیدا نکنید «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» بعد تا این را مطرح می‌کند که دشمن دین شما را مسخره می‌کند، باز می‌رود سراغ این که «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»؛ اصلی‌ترین عنصری که بخواید دشمن به جان آن بیفتد، نماز است و اگر بخواید چیزی را مسخره کند، این را به استهزاء می‌کشد و نماز و فرهنگ نماز، این پکیج را به بازیچه می‌گیرد. اگر یک جایی دیدید نماز را مسخره نمی‌کند، معلوم است که آن چیزی نیست که باید باشد. اگر دیدید در خارج از کشور مسجد و امام جماعت هست و همه نمازشان را می‌خوانند و کاری هم به هیچ چیز در این دنیا ندارند و آن‌ها هم کاری با این‌ها ندارند، بلکه کمکشان هم می‌کنند، معلوم است که کارکرد خودش را از دست داده. آن نماز ارگانیک ولایت و زکات اگر اقامه بشود، به شدت دشمن با آن خواهد جنگید؛ چون نماز ارگانیک با زکات است و اگر از نماز شما اقتصاد خارج بشود و از نماز ولایتی خارج بشود

که وصل به ولی الله است و دارد از آن جا خط می‌گیرد. اگر نتیجه آن نماز این بشود؛ مثلا مسجدی دارید در واشنگتن که امام جماعت آن را آقا گذاشته و خطها را هم از آقا می‌گیرد و این مسجد در داخل شبکه اقتصادی واشنگتن هم رفته، باید ببینید آیا با این مسجد مشکل پیدا می‌کنند یا نه؟! وگرنه آن امام جماعتی که لباسش را می‌پوشد و می‌آید نماز می‌خواند و بعد لباسش را عوض می‌کند و سر کار می‌رود در همان شبکه اقتصادی، حتی اگر علیه «ولی» هم صحبت نکنند، این یک کشیش است.<sup>۳</sup> قبل از انقلاب مسیحی‌ها در اصفهان بیمارستان داشتند و آن جا مال مسیحی‌ها بود، منتهای مراتب مسلمان‌ها هم می‌رفتند. سر تخت هر مریض یک کشیش سفیدپوش خوشگل و مرتب و معطر می‌رفت و می‌گفت: می‌خواهم برایتان آیاتی از انجیل بخوانم. نتیجه مفت چنگ هر کسی که کار می‌کند! (من این را به طلبه‌های خودم زیاد گفته‌ام)

همین منافقین - علیه ما علیه - آن موقع این جور نبود که وابسته به دلارها باشند، این‌ها با یک عرق خاصی می‌رفتند کار می‌کردند، تبلیغ می‌کردند و جذب می‌کردند و مشخص بود آدم‌هایی را جذب می‌کنند که خوشگل و با استعداد هستند. معلوم بود به نخبه‌گزینی می‌روند و هدف می‌زنند، همین کاری که امروز داعشی‌ها می‌کنند. ما مرتب می‌خواهیم خودمان را خر کنیم؛ مثلا می‌گوییم: دلارهای آمریکایی. درست است که دلارهای آمریکایی کمک کار حرکت بزرگ این‌هاست، ولی این با یک عرق خاصی صحبت می‌کند، مبانی می‌گوید، دعوت می‌کند و البته این کارها هزینه می‌خواهد که دشمن هم می‌دهد و این هم کاملا منطقی است؛ لذا نتیجه مفت چنگ هر کسی که کار می‌کند. مجاهدین در آن موقع کار می‌کردند. داعشی‌ها الان کار می‌کنند. هر کسی که جدی کار می‌کند، تا حدی نتیجه هم می‌گیرد.

آن کشیش آن موقع بالای سر مریض می‌رفت ولی الان ما آخوندی پیدا نمی‌کنیم که برود بالای سر مریض که رقت قلبی هم دارد و کسی هم نیست، آیه‌ای بخواند.

نکته‌ای راجع به انتخابات

نه فقط الان بلکه در سال ۹۲ در دانشگاه علم و صنعت هم برای انتخابات ریاست جمهوری این معانی را گفته‌ام که دفع افسد به فاسد را نگویید و این رادیکالی کردن فضا کار انگلیسی‌هاست. و یکسری زبان گویا



می‌شود به همان چیزی که خود انگلیسی‌ها می‌خواهند و این واقعا توطئه است. گفتم می‌دانید دفع افسد به فاسد یعنی چه؟ یعنی یکسری مجتهد دین داریم که فاسد هستند و یک‌عده افسد از این‌ها هستند و این‌ها از کانال شورای نگهبان هم رد شده‌اند! و آن وقت بدترین‌ها در دنیا همین‌ها هستند. این فضای رادیکالی به این شیوه که گاهی خود ما هم دچار آن می‌شویم، ضربه می‌زند. یا آقا فرمودند که انگلیس دارد تعیین تکلیف می‌کند و یک عده راه افتادند گفتند: لیست انگلیسی! آقا کی گفتند لیست انگلیسی؟! شما یک نگاه به این خبرگان بکنید، آیا می‌توانید به این‌ها بگویید لیست انگلیسی؟! متأسفانه در این موارد کار افتاده دست حمقاء که اینقدر فضا را رادیکالی می‌کنند که فکر می‌کنند این دیگر نهایت انقلابی‌گری آن‌هاست. نتیجه این بحث‌ها این می‌شود که هم لیست انگلیسی رأی می‌آورد و مردم به حرف انگلیسی‌ها گوش داده‌اند و هم این رأی «نه گفتن» به آقا تلقی می‌شود، در صورتی که این گند را خود ما زدیم. اصلا حلقوم‌هایی وجود دارد که حرف‌های انگلیسی را به حزب اللهی‌ترین صورت ترجمه می‌کنند و امروز این جوری شده که هرکس خیلی رادیکالی حرف بزند، در اوج قرار می‌گیرد. ما جریان نفاق را داریم و چیزی به نام منافق داریم، ولی خوب دقت بکنید که ما هربار درگیر انتخابات می‌شویم و همان اشتباه را تکرار می‌کنیم، در حالی که این‌ها عناوین قصدی نیست و این را بارها آقا گفته‌اند. ما نمی‌گوییم آدم نفوذی یعنی کسی که دارد پول می‌گیرد.

تمام رئیس‌جمهورهای ما دنبال عزت و اقتدار و آبادانی کشور هستند. اگر آقا می‌گوید این‌ها متدین هستند؛ یعنی واقعا دنبال عزت و اقتصاد و سرفرازی کشورند، خدا را قبول دارند، منتهای مراتب یک راهی برای عزت و آبادانی و سرفرازی مردم انتخاب کرده که ما می‌گوییم این راه به نتیجه نمی‌رسد. و هرکسی که بتواند این را بهتر نشان بدهد، بهتر است؛ مثلا بگوید این روش در این جا به بن‌بست خورد. الان هم که انتخابات تمام شده یکی یکی مثل آقای صالحی تازه دارند اعتراض می‌کنند که این‌ها سويفت را لغو نکردند. پس وقتی آقا می‌گویند من خوش‌بین نیستم یعنی همین دیگر! یا دارند می‌گویند این روش ما را در هاضمه آن‌ها هضم خواهد کرد.

این‌ها را می‌گوییم ولی می‌دانم در انتخابات بعدی باز همین خواهد شد؛ یعنی باز یک عده می‌آیند و اینقدر این فضاها را از هم تفکیک می‌کنند که یکی می‌شود دشمن ضد نظام نفوذی انگلیس و یکی می‌شود پاک و

پاکیزه! در صورتی که واقعا این جوری نیست. شما باید آدم‌هایی را که در عقبه‌های اقتصادی این‌ها هست، باید ببینی. این‌ها عقبه‌های اقتصادی لازم دارند و خیلی وقت‌ها عقبه‌ها با قاجاق دارد تأمین می‌شود که هزینه‌های حزب را دارد می‌دهد! و به طور جدی در همه گروه‌ها هم هست! منتها یک گفتمان و عملکردی وجود دارد که شما می‌گویید این به نتیجه نمی‌رسد. حالا هرکس که توانست قشنگ‌تر، شیک‌تر و دقیق‌تر توانست این نکته را نشان بدهد، او جلوتر است.

روایت است که «خَرَجَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ وَعَمْرُو بْنُ الْحَمِقِ يُظْهِرَانِ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ»؛ این‌ها یک جورى داشتند از اهل شام براءت می‌جستند. اهل شام هم آمریکا نبودند، یکسری مسلمان بودند. حضرت علی وقتی این را دید پیکی فرستاد «فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمَا عَلِيٌّ أَنْ كُفَّا عَمَّا يَبْلُغُنِي عَنْكُمَا..»؛ و به آن‌ها گفت: فتیله را پایین بکشید و این کارها را نکنید. (ما نسبت به اصلاح‌طلب‌ها اعلان براءت که نداریم، ما نسبت به آمریکا و دشمنان اسلام اعلان براءت داریم.) این‌ها آمدند پیش امیرالمؤمنین و گفتند: «أَلَسْنَا مُحِقِّينَ»؛ مگر ما محق نیستیم؟ حضرت گفتند: بله! «فَلِمَ مَنَعْتَنَا مِنْ شَتْمٍ»؛ گفتند: پس چرا نمی‌گذارید به این‌ها ناسزا بگوییم؟ حضرت فرمودند: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا: لِعَانِينَ، شَتَامِينَ تَشْتِمُونَ، وَتَتَبَرَّءُونَ»؛ من خوشم نمی‌آید شما لعن و شتم کنید. دارید شتم و اعلان براءت می‌کنید. این‌ها یک روشی در اسلام اتخاذ کردند «وَلَكِنْ لَوْ وَصَفْتُمْ مَسَاوِيَّ أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ مِنْ سِيرَتِهِمْ كَذَا وَكَذَا وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ كَذَا وَكَذَا»؛ اگر نادرستی اعمال این‌ها را درست وصف کنید (کارهای رسانه‌ای) درست نشان بدهید که این‌ها دارند چکار می‌کنند و بگویید سیره و رفتارشان این‌گونه است. اعمالشان هم این‌گونه است و نتیجه اعمالشان این‌گونه می‌شود. می‌خواهید پاورپوینت و انیمیشن درست بکنید، بکنید و نشان بدهید نتیجه این عمل دارد این می‌شود و بعد هم در شبکه‌ها پخش کنید و اعلان کنید بدون این‌که فحش بدهید و بگویید آقا دست شما را هم می‌بوسیم ولی این روش شما درست نیست. این روش براساس منطق قرآن نیست. «كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَأُبْلَغَ فِي الْعَذْرِ»؛ این فرد در قول جلوتر است و در عذر ابلغ است؛ یعنی مردم عذر را بهتر می‌فهمند «وَلَوْ قُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنِكُمْ إِيَّاهُمْ، وَبَرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ»؛ اگر به جای این اعلان براءت‌ها، نسبت به این‌ها می‌گفتید «اللَّهُمَّ احْتِنُ دِمَاءَهُمْ، وَدِمَاءَنَا»؛ خدایا خون ما و خون این‌ها را محفوظ نگاه‌دار «وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَبَيْنَنَا»؛ خدایا بین ما و

این‌ها را اصلاح کن «وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَّاتِهِمْ، حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْهُمْ مَنْ جَهَلَهُ، وَيَرْغُبَ عَنِ الْغَيِّ وَالْعُدْوَانِ مِنْهُمْ مَنْ لَجَّ بِهِ»؛ خدایا این‌ها را از اضلالتشان هدایت کن تا آن‌که حق را نمی‌داند، بفهمد و آن کسی که حق را می‌داند و دارد لجاجت می‌کند دست از لجاجتش بردارد «لَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ، وَخَيْرًا لَكُمْ»؛ این برای من و خودتان بهتر است.

واقعا این حرف یک ولیّ است. من الان فکر می‌کنم که آقا چه شده که گیر ما افتاده؟! یک کاری کردیم که یک لیست خبرگان انگلیسی رأی آورد! و تفسیر شد که این «نه» به آقا بود! اصلا به قیافه این‌ها می‌خورد؟! به هرحال این‌ها از حضرت می‌پذیرند «فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَقَبَلُ عِظَتَكَ وَتَتَأَدَّبُ بِأَدَبِكَ»؛ ما موضع شما را قبول می‌کنیم.

امروزه هم پیش‌بینی می‌شود که ما داریم به سمت احزاب می‌رویم؛ یعنی مردم به احزاب رأی می‌دهند، نه به آدم‌ها و این شاید بد هم نباشد؛ چون آدم‌ها آدم‌ها را نمی‌توانند بشناسند، گفتمان احزاب را می‌توانند بشناسند. از این به بعد احزاب باید مدل‌هایی باشند که همه متخصصان را در خودشان داشته باشند از متخصص خارجه تا متخصص فرهنگی. الان این چیزی که در لیست‌ها هست، هنوز احزاب نیست. این‌ها شبیه آجیل هستند که یکسری نخود و بادام و کشمش از هر جایی گیر آوردند، در این لیست ریخته‌اند. درست است که آجیل یک نوع واحدی است، ولی واحد اعتباری است که از هر طرف کسی سهمی می‌خواهد. ولی مقدمه‌ای است برای تشکیل احزاب قوی که این‌ها واقعا حزب باشند؛ یعنی در داخل خودشان یک نظام ارگانیک درست کرده باشند، زنده باشند. کارشناسان مختلف داشته باشند. طرح داشته باشند و از آن طرف وزیر و رئیس جمهور اعلام بکنند.

پیش‌بینی بعدی این است که احزابی که فقط گفتار درمانی بکنند، هیچ جایی نخواهند داشت. برخی از همین کسانی که حتی گفتمان‌های رفیع انقلابی داشتند، امروز دیگر پودر شده‌اند. اگر احزاب خودشان را به حرکت‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی وصل بکنند، به قوت می‌مانند. احزابی که فقط گفتار درمانی نکنند و نه فقط رسانه و روزنامه داشته باشند و فقط حرف بزنند. بلکه باید به‌غایت در بستر مسائل اجتماعی حرکت بکنند و در مسئله آسیب‌ها اگر به طور جدی حرکت بکنند، احزاب بسیار قوی تشکیل می‌دهند. خیلی‌ها از این نکته

خسته‌اند که یک عده حرف زیاد می‌زنند. جالب است که بدانید تمام این احزابی که خارج از کشور هستند مثل دمکرات‌ها و جمهوری‌خواه‌ها روی بستر اجتماعی و حوزه‌ی خدمات اجتماعی خیلی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. احزاب این جوری می‌توانند خودشان را کاملاً در کشور پهن کنند و به طور جدی با بدنه مردم مرتبط باشند و بدنه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند و آن بدنه اجتماعی در کار اجتماعی به دست می‌آید. در کار گفتمانی صرف به دست نمی‌آید. این اتفاق خوب است ولی باید حواس یک عده باشد، به خصوص برای جهادی‌ها یک نقطه اوج است؛ به دلیل این که جهادی‌ها در متن مردم می‌توانند برای خودشان بدنه اجتماعی تولید کنند. چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی می‌توانند کامل خودشان را پهن کنند. هم گفتمان ایجاد کنند و هم بدنه اجتماعی.

## صلوات!

- 
۱. این اسماعیل صادق الودع است و اسماعیل بن ابراهیم نیست. وجه تسمیه‌اش این است که سرقراری یک سال ایستاده. ممکن است ما بگوییم مگر بی‌کار بوده؟ ولی ما جایگاه عهد و وعد را نمی‌دانیم!
  ۲. در روایات دارد که ادریس همان الیاس است. ادریس به آسمان‌ها رفت و با عنوان جدید حضرت الیاس به زمین برگشت؛ مثل حضرت عیسی که به عنوان نبی به آسمان رفت ولی وقتی برمی‌گردد دیگر نبی نیست و عنوان جدیدی دارد؛ چون در دوره ختم نبوت دارد برمی‌گردد و پیرو امام است و شیعه امامی است.
  ۳. کاش ما آخوندها جریزه آن کشیش را هم داشتیم.